

آسمان نیلی پاییز

www.ketab.ir
نرگس رضایی



بهار ۱۴۰۳

آسمان نیلی پاییز

نویسنده: نرگس رضایی

ویراستار: مرگان معصومی

شابک: ۱-۳۹-۷۳۶۱-۶۲۲-۹۷۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۴۰۹۲۱۲

نوبت نشر: اول

زمان نشر: بهار ۱۴۰۳

شمارگان: ۲۰۰ جلد

ناشر چاپ: رضا هاشمی

طرح جلد: شروین رحیمی

قیمت: ۳۷۰,۰۰۰ تومان

بیادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده مادی، معنوی و غیره به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی صرفاً با کسب اجازه رسمی از ناشر (نماینده نویسنده) امکانپذیر می‌باشد.

نشر شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



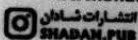
دفتر مرکزی: تهران

اشرافی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دربندی - شماره ۳۵

تلفن ۲۰ ۲۴ ۸۸ - ۸۱ ۱۸ ۴۴ - ۸۰ ۱۸ ۴۴

www.shadan.ir

info@shadan.ir



در اینستاگرام نیز همراهان باشید

عنوان: آسمان نیلی پاییز پدیدآور: نرگس رضایی

تهران: شادان، ۱۴۰۲ ۴۹۷ صفحه (رومان ۱۳۰۷)

شابک: ISBN : 978-600-7368-39-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۵

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۳۴۵ رده‌بندی دیویی: ۶۲، ۸۵۳

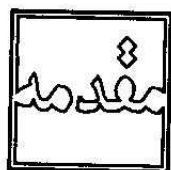
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۴۰۹۲۱۲

اعتماد، خیانت و فرو ریختن...

خیلی چیزها را با خواندن و شنیدن تجربیات دیگران نمی‌توان فهمید، یا بهتر بگویم درک کرد. باید خودت برخورد کنی، با تمام وجود لمس کنی و سپس در قبال آن عکس‌العمل نشان دهی.

یکی از این موارد اعتماد کردن و خیانت دیدن است: فرقی هم نمی‌کند در زندگی مشترک باشد یا در دیگر روابط، فقط شدت اثرگذاری آن متفاوت می‌شود. هزار بار هم که بشنوی و بخوانی تا در درگیری زندگی و آدم‌ها با این موضوع که به کسی اعتماد کرده‌ای و در قبال آن خیانت دیده‌ای برخورد نکنی، معنای آن را نمی‌توانی درک کنی. حس غریبی که آنکار نه به جسمات، بلکه به روح و روانت تجاوز شده است. تازه آن زمان ذهن، درگیر افکار دیگر می‌شود: احساس سادگی، حماقت، پیدا کردن دلایلی دیگر برای وجود خیانت در گذشته که به سادگی از کنار آن عبور کرده و اکنون معنایش را فهمیده است. حتی کوچکترین حرف‌ها و رفتار در گذشته معنای سوءاستفاده و خیانت به خود می‌گیرد و ذهن را به دهها جای دیگر سوق می‌دهد.

تازه بعد از این، فرو ریختن شخص خیانت دیده شروع می‌شود و با خودش فکر می‌کند که چه دلیلی داشته که طرف مقابل به او خیانت کرده است! اگر هم کمی اعتماد به نفس او پائین باشد که ناخواسته خود را سرزنش می‌کند: چه ایراد و اشکالی در رفتار و کلام و حتی فیزیک من هست که همراه را به این کار سوق داده



است؟ آیا ریشه و علت این خیانت در من بوده است... و این سؤالات و درگیری‌های درونی شروع می‌شود و برای برخی تا مرز فروپاشی ادامه می‌یابد. می‌گویند زندگی برای آینده شدن است و تا خیانت (چه کوچک و چه بزرگ) نبینی نمی‌توانی بفهمی که کی و به چه کسی و تا چه اندازه می‌توان اعتماد کرد و استفاده از تجربیات دیگران تا یک جایی کارساز است، اما مگر می‌توان همه چیز را تجربه کرد؟!

بگذریم... داستان امروز این جرقه را در ذهن من زد و نقل قول کردم از کسی که در برابر توصیه‌های دیگران به عنوان گذشتن و صبوری کردن در قبال خیانت، این حرف‌ها را می‌زد. به نظرم درست می‌گفت و مثل قصه‌گوی نویسنده‌ی ما که قهرمانش را در موقعیتی خاص قرار می‌دهد، باید در شرایط قرار گرفت و آن وقت به دیگران توصیه‌های به اصطلاح عاقلانه کرد.

آدم‌ها معمولاً به همراه خود اعتماد می‌کنند و گاهی هم فراموش می‌کنند که این اعتماد چه سرمایه‌ی ارزشمندی است که اگر از دست برود یا حتی ترک بردارد آن موقع تا چه حد آرامش زندگی سلب خواهد شد.

قهرمان قصه‌ی ما در موقعیتی قرار می‌گیرد که مثل راه رفتن روی یک خط است و کوچکترین تلنگر می‌تواند او را از مسیر خارج کند. نویسنده نیز از همان ابتدای کتاب با شوک‌های ناگهانی مخاطب را به ادامه ترغیب می‌نماید تا کنجکاوانه پیگیر سرنوشت آدم‌های داستان باشد.

همراهش شوید و از روایت او لذت ببرید.

بهمن رحیمی

فروردین‌ماه ۱۴۰۳ - تهران

لست لست